

شلیک به تهران



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن



ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی جنبش حماس در تهران بلافاصله پس از حضورش در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید ایران، با هیچ حسابی نمی‌تواند تاریخی تصادفی باشد. در واقع، آن نهادی که در اسرائیل فرمان نهایی این ترور در چنین زمانی را صادر کرده است، انگیزه‌ای فراتر از هدف قراردادن رهبران حماس و یا حتی به رخ کشیدن حفره‌های امنیتی در تهران داشته است. هدف اصلی دقیقاً دولت پزشکیان به قصد ایجاد آشفتگی و حتی فلج‌سازی آن در همان لحظات ابتدایی بوده است.

دولت مسعود پزشکیان اما چه خطری برای دولت بنیامین نتانياهو و اعضای افراطی ائتلاف او دارد که در همین گام نخست، درصدد کارشکنی در مسیر حرکت او برآمده‌اند؟ دستور کار دولت آقای پزشکیان ایجاد وفاق ملی در داخل کشور و تنظیم روابط خارجی بر مبنای تعادل توازن بین کانون‌های قدرت جهانی به قصد آزاد کردن اقتصاد ایران از زیر فشار سنگین تحریم‌ها و آرام کردن فضاست و این درست همان چیزی است که جناح راست افراطی حاکم بر اسرائیل آن را مغایر با اهداف داخلی و منطفه‌ای خود می‌بیند. در حقیقت تمام داستان غمبار و پرهزینهٔ خاورمیانه در سرنوشت کمتر از شش هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های کرانهٔ باختری رود اردن و بیت‌المقدس شرقی خلاصه می‌شود. همین قطعه زمین کوچک در این کرهٔ خاکی پنهانور، ۵۷ سال است که نظم وثبات خاورمیانه را به هم زده و تمام کوشش‌های طاقت‌فرسای دیپلماتیک منطقه‌ای و بین‌المللی را به ورطهٔ شکست و ناکامی کشانده است. کرانهٔ باختری سرزمینی است که اگر اسرائیل به اشغال آن پایان دهد و آن را در اختیار فلسطینی‌ها بگذارد تا کشور مستقل خود را در آنجا بنا کنند، نه‌فقط ریشهٔ بحران و درگیری در خاورمیانه خشکیده می‌شود، بلکه آنگونه که سعودی‌ها قول و وعده‌اش را داده‌اند، حدود پنجاه کشور مسلمان و عرب هم روابطشان را با اسرائیل عادی می‌کنند. طیف راست و راست افراطی در اسرائیل اما به هیچ قیمتی زیر بار این معامله نمی‌روند با اینکه می‌دانند چنین معامله‌ای دستاوردهای اقتصادی بی‌سابقه‌ای برای اسرائیل به دنبال خواهد داشت. در حقیقت، مخالفت سرسختانهٔ راست افراطی با رفع اشغال از هر قطعه‌ا از کرانهٔ باختری، بدین علت است که هر معامله و سازشی بر سر این منطقه، به مرگ سیاسی خودشان منجر می‌شود و آنها را برای همیشه از صحنهٔ سیاسی

نگاه روزنامه‌نگار

ترور در قلب تهران



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

اسماعیل هنیه در قلب تهران وبراساس اخبار تائیدشده، در منطقه‌ای واقع در شمال تهران و مجاور (فاصله چندمتری) چند مرکز حساس ترور شد. چندسوال و نکته درباره این ترور قابل طرح است.

اول: هنوز مشخص نیست که این ترور به چه صورت اتفاق افتاده است. اخبار از اصابت پرتابه خبر می‌دهند. این پرتابه باید از یک پرنده یا سکو شلیک شده‌باشد. گزینه‌های مختلفی برای منشأشلیک مطرح می‌شود که فکر کردن به هر کدام، نشان می‌دهد یکی از دیگری تلخ‌تر هستند. در هر کدام از این گزینه‌ها، سیستم پدافندی زیر سوال است.

دوم: اسرائیل ید طولایی در روش‌های مختلف ترور دارد. استفاده از سیگنال تلفن همراه یا کارگزاری مواد انفجاری در آن -به‌خصوص سال‌هایی که باطری موبایل‌ها قابلیت جداسازی داشت- برای قتل هدف، پیش از این توسط آن‌ها استفاده شده است. سیگنال تلفن همراه هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. با همین منطق، شخصیت‌هایی مثل هنیه، مغنیه، سنوار، ضیف و هر کسی که با این مسائل سروکار دارد، یک احتیاط ذاتی در قبال استفاده از تلفن همراه دارند. با از خطوط امن و خاص استفاده می‌کنند، یا روش‌های دیگر. باتوجه‌به اینکه محل استراحت رئیس دفتر سیاسی حماس هدف قرار گرفته و این نوع حملات علی‌القاعده مبتنی بر دریافت سیگنال دقیق از هدف است، یا باید عامل انسانی در کار باشد، یا عامل فنی. هدف گرفتن دقیق اتاق هنیه، نوید اخبار خوبی رانمی‌دهد.

سوم: چه عاملی باعث شد که اسماعیل هنیه و زیاد النخاله دبیرکل جهاد اسلامی در فضای باز به برج میلاد برده شوند؟ قاعدتاً برنامه‌های چنین شخصیت‌های مهمی که از قضا درگیر جنگ با اسرائیل هستند نیز باید تأییدیه‌هایی بگیرد. چراکه اسرائیل علی چند روز گذشته، نقاطی در یمن، لبنان و عراق را هدف قرار داد که دو مورد آخر به منظور ترور رهبران نظامی گروه‌های مقاومت بود. چند ساعت بعد از آن حملات، این نمایش انجام شد؟ این نمایش‌های سیاسی قرار است به چه قیمتی تمام شوند؟

چهارم: چرا او را در تهران ترور کردند؟ و سفرهای زیادی انجام می‌داد. در

اسرائیل حذف می‌کند. اصولاًفلسفهٔ وجودی احزاب راست افراطی در اسرائیل به کرانهٔ باختری گره خورده است. آنان این بخش از فلسطین تاریخی را بیهودیه و سامریه می‌نامند و آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث تاریخی و فرهنگی و خدادادی قوم یهود قلمداد می‌کنند و از این جهت، کمترین حق و حقوقی برای حاکمیت فلسطینی‌ها بر این قلمرو قائل نیستند. در واقع، نامگذاری احزاب اسرائیلی به راست و چپ و میانه و افراطی تابع موضع آنها در مقابل کرانهٔ باختری است. هر حزبی که موضع سرسختانه‌تری در مقابل واگذاری هر بخش از کرانهٔ باختری رود اردن به فلسطینی‌ها در پیش گیرد، افراطی‌تر به حساب می‌آید. دستور کار اصلی احزاب افراطی به‌خصوص «اقتدار یهود»، «صهیونیست مذهبی» و حتی بخش بزرگی از «لیکود» ادامهٔ اشغال و انضمام کرانهٔ باختری به اسرائیل و جلوگیری از واگذاری آن به فلسطینی‌هاست و چنانچه روزی کرانهٔ باختری تعیین تکلیف و تمام و یا حتی بخش بزرگی از آن به فلسطینی‌ها مسترد شود، فلسفهٔ وجودی و عمر سیاسی این گروه‌ها برای همیشه در اسرائیل تمام می‌شود! با پایان عمر سیاسی احزاب راست افراطی، ماهیت جامعه و دولت اسرائیل نیز دگرگون می‌شود و دوران «پساصهیونیسم» فرا می‌رسد. در شرایط عادی و به‌نسبت آرام در خاورمیانه، معمولاًتوجه و فشار بین‌المللی برای حل مسئلهٔ فلسطین و پایان اشغال اسرائیل در کرانهٔ باختری، تشدید می‌شود. به واقع تمامیت جامعهٔ جهانی و تمام کانون‌های قدرت بین‌المللی، تشکیل کشور مستقل فلسطین در کرانهٔ باختری و نوار غزه را تنها راه پایان دادن به مناقشهٔ خاورمیانه می‌دانند و بر آن اصرار می‌ورزند. از همین رو، راست‌گرایان افراطی در اسرائیل به طور دائم نیاز به بحران آفرینی و جنگ و تشنج دارند تا حواس جامعهٔ جهانی را از وضعیت کرانهٔ باختری دور کرده و در عین حال «موجودیت دولت عبری» را در معرض تهدید و نابودی معرفی کنند. معمولاً هر گاه پای امنیت و موجودیت اسرائیل به وسط می‌آید، دولت‌های غربی و حتی شرقی، گویی عینال اختیار خود را از دست می‌دهند و برای حفظ و تأمین امنیت اسرائیل، چشم بر بسیاری از رفتارهای غیرقانونی و مخرب آن می‌بندند. بدین ترتیب، سیاست راستگرایان افراطی در اسرائیل تاوأم جنگ غزه و ادامهٔ جنگ‌افروزی است تا مبادا با آرام شدن اوضاع، سرنوشت کرانهٔ باختری در دستور کار مجامع بین‌المللی قرار گیرد و با حل بحران، عمر خودشان تمام شود. از همین رو، احزاب راست افراطی در اسرائیل هر گاه که دولتی در ایران بخواهد به سمت آرام کردن فضای منطقه و فاصله گرفتن از تشنج گامی بردارد، آن را مغایر مقاصد نهایی خود تلقی می‌کنند و به هر صورت ممکن، برایش مشکلات امنیتی پدید می‌آورند تا از دایرهٔ تشنج خارج نشود.

بدبختانه در سیاست به قول میرفردرسکی:

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی!

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

خونخواهی

مقامات ارشد و چهره‌های سیاسی کشور به ترور اسماعیل هنیه واکنش نشان دادند

گروه خبر: رئیس دفتر سیاسی حماس نیمه‌شب دهم مرداد، در تهران ترور شد. اسماعیل هخنیه از جمله مهمانان خارجی بود که برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به ایران آمد. مقام رهبری، سران قوا، سپاه، وزارت امور خارجه، مدیران و چهره‌های سیاسی کشور مان با صدور پیام‌هایی به این ترور واکنش نشان دادند. اسرائیل مسئولیت این حمله را نپذیرفته و اعلام کرده که در سرزمین‌های اشغالی برای آمادگی جهت مقابله با واکنش احتمالی ایران آماده‌باش برقرار شده است. بیکر اسماعیل هنیه امروز در تهران تشییع و نماز میت بر بیکر او توسط مقام رهبری اقامه می‌شود. رئیس دفتر سیاسی حماس در دوحه قطر دفن خواهد شد. عصر روز گذشته نیز تجمعی در میدان فلسطین تهران در اعتراض به این ترور برگزار شد. تا زمان تنظیم این گزارش، اطلاعات دقیقی از نحوه و کیفیت این ترور منتشر نشد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته دو اطلاعیه منتشر کرد که اطلاعات محدودی از این حادثه را در خود داشت. اطلاعیه اول ساعت ۵:۵۵ دقیقه روی سایت اطلاع‌رسانی سپاه قرار گرفت که خبر اصابت به محل اقامت رئیس دفتر سیاسی حماس و شهادت او به همراه یکی از محافظانش را در بامداد چهارشنبه تأیید می‌کرد. در اطلاعیه دوم نیز اطلاعات بیشتری در باره حادثه ذکر نشد اما اعلام شد که پاسخ سختی از سوی مقاومت در راه است.

▼ خون خواهی مهمان را وظیفه خود می‌دانیم

آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری با صدور پیامی، ضمن تسلیت شهادت اسماعیل هنیه اظهار داشتند: «رهبر شجاع و مجاهد برجسته‌ی فلسطینی جناب آقای اسماعیل هنیه در سحرگاه امروز به لقاءالله پیوست و جبهه‌ی عظیم مقاومت عزادار شد. رژیم صهیونی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما را در خانه‌ی ما به شهادت رسانید و ما را دادگار کرد، ولی زمینه‌ی مجازاتی سخت برای خود را نیز فراهم ساخت. شهید هنیه سال‌ها جان گرمی‌اش را در میدان مبارزه‌ی شرافتمندانه بر سر دست گرفته و آماده‌ی شهادت بود، و فرزندان و کسان خود را در این راه تقدیم کرده بود. او از شهید شدن در راه خدا و نجات‌بندگان خدا باک نداشت، ولی ما در این حادثه‌ی تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او را وظیفه‌ی خود می‌دانیم. اینجانب به امت اسلامی، به جبهه مقاومت، به ملت شجاع و سرافراز فلسطین و بالخصوص به خاندان و بازماندگان شهید هنیه و یکی از همراهانش که با وی به شهادت رسیده است، تسلیت عرض می‌کنم و علو در جات آنان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.»

▼ در پاسداری از تمامیت ارضی کوتاهی نخواهیم کرد

در پیام مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان، آمده است: «رژیم صهیونیستی که پس از ماه‌ها کشتار و جنایت و ویرانی در غزه، دچار بن‌بست و قفل‌شدگی بوده و قادر به رهایی از پیامدهای سیاست تاریخی مبتنی بر اشغالگری، تروریسم، تبعیض نژادی و کشتار جمعی خود نیست، بامداد امروز برادر عزیز و مجاهد راه خدا شهید «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین - حماس را در تهران هدف عملیات جنایتکارانه تروریستی خود قرار داد و به شهادت رساند.» در بخش دیگری از این پیام می‌خوانیم: «این اقدام تروریستی همچون دیگر جنایت‌های رژیم صهیونیستی، ناقض قوانین و مقررات بین‌المللی بوده و ضرورت اقدام متحد جهان به ویژه کشورهای اسلامی را برای مقابله با این رژیم جنایتکار و اشغالگر بران می‌پوشان نمی‌دهد. این جنایت در تهران و هنگامی انجام شد که برادر عزیزمان شهید اسماعیل هنیه، میهمان رسمی رئیس‌جمهور و دولت جمهوری اسلامی بوده و برای شرکت در مراسم سوگند ریاست‌جمهوری به ایران سفر کرده بود. جمهوری اسلامی ایران در پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و عزت و اعتبار خود کوتاهی نخواهد کرد رژیم صهیونیستی به زودی نتایج اقدام بزدلانه و تروریستی خود را خواهد دید.»

▼ آتش طوفان الاقصی شعله‌ور تر خواهد شد

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا ضمن محکومیت اقدام اسرائیل، این ضایعه را به ملت فلسطین تسلیت گفت: «شهادت رهبر

متن پزشکیان می‌کوشیدهم تحقیر و تحمیل به‌زنان ودختران و جوانان در خیابان‌های تهران را نفی کند. هم کشتار کودکان و غیرنظامیان در غزه و بیروت را، مانیفست پزشکیان. در رد گفتمان برساخته‌ای است که پس از انتخابات۱۳۸۸ اصلاح‌طلبان را متهم می‌کرد از «نه غزه، نه لبنان؛ جانم فدای ایران» گفته‌اند. ادعایی که نه استناد تاریخی داشت؛ چرا که هیچ‌یک از رهبران و کنشگران شناخته‌شده اعتراضات آن زمان چنین سخنی نگفته بودند. و نه امکان عملی داشت؛ چون نه سیاست داخلی منفک و مستقل از مسائل منطقه‌ای و جهانی است و نه مستقل از تحولات داخلی، می‌توان نفوذ منطقه‌ای و قدرت ملی را در صحنه بین‌المللی گسترش داد. گفتمان پزشکیان در مراسم تحلیف، رد همه این ادعاها بود. او با هم‌پیوندسازی تهران و غزه، تبریز و بیروت، شیراز و دمشق، نشان می‌داد که «واقع‌گرایی و آرمان خواهی همزمان»، امری مبنایی است که فراتر از خواش‌های ظاهرگرایانه و شعار محور از سیاست داخلی و خارجی قرار می‌گیرد. در واقع، پزشکیان و حامیان او نه‌فقط برای پایان خالص‌سازی و حذف نیروها در ساختار سیاسی به میدان آمده‌اند، بلکه فراتر از آن، به پایان خالص‌سازی آرمان‌ها، شعارها و تقتمت‌ای رسمی می‌اندیشند که هرچه می‌گذشت، جریانی اقلیت‌تر و بی‌پشتوانه‌تر و در تعارض و ستیز با اکثریت ملت، خود را نماد و نماینده آن معرفی می‌کرد. بدین ترتیب، خالص‌سازی تبدیل به روندی می‌شد که تحت‌عنوان وادعای وفاداری به مجموعه‌ای از آرمان‌ها و سیاست‌ها (به‌ویژه در حوزه مسائل امنیت‌ملی و نفوذ منطقه‌ای و نفی ظلم در عرصه جهانی)، نیرو

گزارش یک

پرافتخار و سردار مجاهد جبهه مقاومت آقای «اسماعیل هنیه» که عمر بابرکت خود را در مسیر جهاد فی سبیل‌الله طی نمود و در این راه از تقدیم اولاد و احفاد خود نیز دریغ نوزید، بدون تردید برای اوفوزی عظیم و فرجامی سعادت‌مندانو برای ملت مقاوم و مظلوم فلسطین مایهی فخر و مباهات است. بلاشک فقدان شهید هنیه این مجاهد مخلص و آزاده، ثلمه‌ای بزرگ برای مقاومت سرافراز ملت فلسطین در برابر سفاکان و غاصبان رژیم منحوس و جعلی صهیونیستی خواهد بود اما بحول و قوه الهی خون مطهر این شهید والامقام، حماسه‌ساز می‌شود، افق گشایی می‌کند و درخت تناور مقاومت اسلامی را بیش از پیش آبیاری خواهد کرد و آتش خشم ملت مبارز و حماسه‌ساز فلسطین را در امتداد طوفان الاقصی شعله‌ورتر می‌سازد. عناصر شقی، زبون و جنایتکار دخیل در به‌شهادت رساندن شهید هنیه بدانند که خون مطهر این شهید، شور و خشم و عظمت جبهه مقاومت در برابر صهیونیست‌های غاصب را مضاعف گردانده و مورد عقاب و انتقام سخت قرار خواهند گرفت. اینجانب این اقدام بزدلانه تروریستی را محکوم نموده و شهادت شهید هنیه و همراه ایشان را به ملت بزرگ فلسطین، حماس، کلیه گروه‌های مقاومت فلسطینی و خانواده مکرم هنیه تبریک و تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان و همه مجاهدان راه حق غفران واسعه و علو در جات مسئلت می‌نمایم.»

▼ از خون هنیه نخواهیم گذشت

در پیام محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز آمده است: «شهادت این مجاهد والامقام به‌یقین باعث تقویت پیوندهای ناگسستگی مسلمانان و پایبندی و اتحاد بیشتر مجاهدان جبهه مقاومت و آزادی‌خوای در راه مبارزه با غاصبان و جنایتکاران خواهد بود. ملت سرافراز ایران همواره در کنار مردم شریف، مظلوم و دلاور فلسطین و دیگر ملت‌های آزادی‌خواه تا تحقق آرمان آزادی فلسطین و قدس شریف خواهد ایستاد. جمهوری اسلامی ایران از خون برادر شهید و میهمان عزیز خود شهید حاج اسماعیل هنیه نخواهد گذشت و خونخواهی آن شهید عزیز را وظیفه قطعی خود می‌داند. اینجانب شهادت جناب آقای حاج اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس را به ملت‌های بزرگ و مقاوم فلسطین و ایران، تمامی رزمندگان و مجاهدان جبهه مقاومت و تمام اعضاء جنبش حماس، تبریک و تسلیت می‌گویم. ان‌شاءالله در امتداد خط سرخ شهادت سرداران جبهه حق، شاهد تحقق نصرت الهی و ظفرمندی امت اسلام با شکست و اضمحلال کامل عوامل و ایادی رژیم صهیونیستی خواهیم‌بود.»

▼ پیام رئیس کل ستاد نیروهای مسلح

سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی این عملیات را محکوم کرد و اظهار داشت: «شهادت پر افتخار مجاهد خستگی‌ناپذیر، رهبر شجاع جبهه‌مقتدر مقاومت اسلامی فلسطین و رئیس دفتر سیاسی حماس، شهید بزرگوار «آقای دکتر اسماعیل هنیه» و محافظ ایشان را که در اقدام تروریستی رژیم جعلی و جنایتکار صهیونیستی به‌شهادت رسیدند به امت اسلامی، آزادی‌خواهان جهان، جبهه عظیم مقاومت اسلامی و مردم مقاوم و صبور فلسطین بویژه خانواده مکرم آن شهیدان والامقام تسلیت عرض می‌نمایم. بی‌شک این جنایت تروریستی، ضدانسانی و مغایر با قوانین و اصول بین‌المللی که ناشی از استیصال و شکست‌های پی‌درپی در مقابل دفاع قهرمانانه جبهه مقاومت اسلامی با پشتوانه‌ی مردم‌صبور و مقتدر فلسطین می‌باشد، زمینه‌ساز اتحاد هر چه بیشتر جبهه مقاومت اسلامی و جهان اسلام و شکست‌هایی به‌مراتب درناک‌تر از گذشته برای آن رژیم مغفور و حامیان آن، به خصوص آمریکای تروریست‌پرور خواهد شد. به فضل الهی و با مجاهدت رزمندگان سلحشور جبهه مقاومت اسلامی مبارزه بر علیه رژیم صهیونیستی صمترتر از گذشته‌تداوم داشته و نویدبخش آرمان آزادی قدس شریف بانابودی غده سرطانی اسرائیل می‌باشد.»

▼ اعلام موضع حماس

حماس در ساعات اولیه صبح دیروز، در بیانیه کوتاهی وقوع ترور را تأیید کرد و از پاسخ به آن خبر داد. خلیل الحیه یکی از رهبران ارشد حماس که در تهران حضور دارد، روز گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد. الحیه

یادداشت سردبیر

و جریانی خاص و اقلیت را از موقعیت و امتیازات و حق‌ویژه برخوردار می‌ساخت و ساخت سیاسی را هر روز خالص‌تر می‌خواست. اما آنچه در عمل رخ می‌داد، این بود که آن شعارها، آرمان‌ها و سیاست‌ها پشتوانه خود را از دست می‌داد و حامیان و مدافعان آن، هر روز به‌نوعی خالص‌سازی می‌شدند. این درحالی است که بسیاری از این آرمان‌ها و شعارها و سیاست‌ها در شرایط طبیعی و از منظر ملی و نیز حقوق بشری کاملاً قابل‌دفاع هستند و حتی در شرایط فقدان ساختاری چون جمهوری اسلامی نیز، هر حکومت ملی در ایران به آنها توجه خواهد داشت. در واقع، برآمدن شعار «نه غزه، نه لبنان» و رمز قاتل شدن میان آن با «جانم برای فدای ایران» اگر در تابستان داغ ۱۳۸۸ در برخی خیابان‌های تهران سر داده شد، ناشی از همین شکاف و تعارضی بود که بخش‌هایی از جامعه میان آن آرمان‌ها و شعارها و سیاست‌ها با مسائل خود درون کشور احساس می‌کردند. آنان می‌دیدند نیروهایی که در داخل کشور با حقوق و آزادی‌های آنان در ستیزند و هر بر خودری را با معترضان توجیه می‌کنند و جایز می‌شمارند؛ دقیقاً همان جریاناتی هستند که در فلسطین و لبنان و یمن و بحرین و حتی آمریکای لاتین خود را مدافع حقوق ملت‌ها می‌نامند و به نام ایران و ایرانیان، در برابر آنان موضع می‌گیرند و حتی وارد میدان عمل می‌شوند.

گفتمان پزشکیان و مانیفستی که او در مراسم تحلیف ارائه داد، از این منظر واجد ارزش و اهمیت است که میان «ایران» و حقوق «ایرانیان» با کشورهای و ملت‌های تحت‌نفوذ یا دوست یا متحد نظام سیاسی حاکم، تفاوت و تمایزی قائل